

نظام آموزشی ایران در دوراهی تحول یا فرسایش

نگاه مصرفی به آموزش و پرورش تغییر نکند بساط همین است

«جوان» در میز گردی با حضور احمد رضا دوراندیش، محمود اسفندیار و بیتا مهدی، شکاف میان نیازهای نسل جدید و ساختارهای سنتی آموزش

و همچنین گره کور بودجه و مصائب عبور از کنکور را بررسی کرد



شده‌اند که اجرای آنها بدون پیش‌بینی امکانات و الزامات لازم دشوار بوده است. این اسناد قابل اجرا هستند، اما باید بپذیریم اجرای موفق آنها مستلزم تأمین منابع، بازنگری مدیریتی، به‌روزرسانی برنامه‌های درسی و ارتقای نظام ارزشیابی است. بخشی از مشکلات نیز ناشی از شرایط کلان کشور با اتفاقات غیر قابل پیش‌بینی بوده که روند اجرا را تحت تأثیر قرار داده است. مثلاً شرایط اقتصادی، تحولات اجتماعی یا حوادث خاصی که در سال‌های اخیر تجربه کردیم، همگی در اجرای این اسناد تأثیرگذار بوده‌اند.

از طرف دیگر، بخشی از مشکلات به خود ما برمی‌گردد، به تدبیرها و روش‌هایی که در اجرا انتخاب کرده‌ایم. تجربه‌های گذشته نشان داده است باید به سمت راه‌حل‌های بهره‌ورانه‌تر برویم. خوشبختانه با توجه به عزم رئیس‌جمهور و ورود ایشان به موضوع آموزش و پرورش می‌توان امیدوار بود اجرای اسناد بالادستی نیز با اولویت و جدیت بیشتری دنبال شود. اگر نگاه حمایتی دولت ادامه یابد و ما نیز در داخل نظام آموزشی تدبیر لازم را داشته باشیم، می‌توان این فاصله را کاهش داد و اسناد را به واقعیت مدرسه نزدیک‌تر کرد.

نتایج این توجه با همراهی وزیر آموزش و پرورش و بدنه اجرایی، به‌تدریج در حال بروز است و انتظار می‌رود در سال تحصیلی جدید، نشانه‌هایی از این تحولات مانند روش‌های نوین تدریس و استفاده از فناوری دیده شود.

البته نباید انتظار داشت همه ابعاد نظام آموزشی به‌سرعت متحول شوند. تحول واقعی نیازمند زمان، استمرار و برنامه‌ریزی مرحله‌ای است. با تداوم این روند، می‌توان به آینده آموزش و پرورش امیدوار بود.

فاصله زیادی بین اسناد بالادستی چون سند تحول بنیادین و واقعیت‌های مدرسه وجود دارد. چرا این فاصله شکل گرفته؟ و برای کاهش این فاصله چه اقداماتی در دستور کار شماست؟

دوراندیش: این فاصله، ریشه در همان چالشی دارد که همیشه میان مرحله نظریه‌پردازی و مرحله اجرا وجود داشته است. طبیعتاً اسناد بالادستی مثل سند تحول بنیادین یا ناگاهی آینده‌نگر و بلندمدت نوشته می‌شوند، اما در مرحله اجرا با محدودیت‌ها و ملاحظات متعددی مواجه می‌شویم که اجرای کامل آنها را دشوار می‌سازد.

از نظر من، اسناد بالادستی ما از جمله سند تحول بنیادین، از کیفیت مناسبی برخوردارند. سند تحول، یکی از اسنادی است که در فرمایشات مقام معظم رهبری بیشترین تأکید و حمایت را داشته و مورد توجه ویژه ایشان بوده است. اما این اسناد زمانی می‌توانند محقق شوند که زیرساخت‌های لازم برای اجرای آنها فراهم باشد. در خودسند تحول، زیرنظام‌هایی تعریف شده‌اند، از جمله زیرنظام منابع انسانی و «تخصیص منابع». در بحث منابع انسانی، ویژگی‌هایی برای معلمان و نیروهای آموزشی تعریف شده، اما در عمل، به دلیل فشارهایی که در سال‌های گذشته از سوی برخی نهادها به آموزش و پرورش وارد شده است، گاهی از اصول سند فاصله گرفته‌ایم. خوشبختانه اکنون جلوی بخشی از آن فشارها گرفته شده است.

در زمینه تخصیص منابع هم مشکل داشتیم. مثلاً توسعه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در سند پیش‌بینی شده، اما در عمل، تجهیزات، فضا و امکانات مناسب با آن تأمین نشده است. اما درود هنرستان‌ها، اهداف خوبی تدوین شده، اما منابع مالی برای تحقق آنها تخصیص نیافته است. در مجموع، اسنادی نوشته

کنند. بنابراین بهترین راهکار، برنامه‌ریزی دقیق، شفاف و مرحله‌ای است، مانند آنچه در سند جامع منابع انسانی آموزش و پرورش و برنامه هفتم توسعه پیش‌بینی شده است.

در نهایت تا امروز موردی نبوده که مصوبه شورای عالی آموزش و پرورش به‌طور مستقیم از سوی نهاد دیگری لغو شود. تغییرات معمولاً بر اساس توافق و مشورت بوده و این به معنای بی‌اعتباری مصوبات شورا نیست.

رئیس‌جمهور تاکنون حدود ۵۰ جلسه درباره آموزش و پرورش برگزار کرده است. خروجی عملی این جلسات چه بوده؟ آیا آموزش و پرورش از این ظرفیت حمایتی استفاده کرده است؟

دوراندیش: برگزاری این تعداد جلسه در سطح عالی، نشان‌دهنده نگاه راهبردی رئیس‌جمهور به آموزش و پرورش است و فرصتی ارزشمند برای تحول در این حوزه به‌شمار می‌آید.

در بسیاری از جلسات، شخص رئیس‌جمهور با ابتکار خود موضوعات مهمی را مطرح کرده و حتی گاهی جلوتر از دستگاه آموزشی وارد عمل شده‌اند. تمرکز اصلی ایشان نیز بر ارتقای کیفیت و تحقق عدالت آموزشی بوده است.

نتایج این توجه با همراهی وزیر آموزش و پرورش و بدنه اجرایی، به‌تدریج در حال بروز است و انتظار می‌رود در سال تحصیلی جدید، نشانه‌هایی از این تحولات مانند روش‌های نوین تدریس و استفاده از فناوری دیده شود.

البته نباید انتظار داشت همه ابعاد نظام آموزشی به‌سرعت متحول شوند. تحول واقعی نیازمند زمان، استمرار و برنامه‌ریزی مرحله‌ای است. با تداوم این روند، می‌توان به آینده آموزش و پرورش امیدوار بود.

فاصله زیادی بین اسناد بالادستی چون سند تحول بنیادین و واقعیت‌های مدرسه وجود دارد. چرا این فاصله شکل گرفته؟ و برای کاهش این فاصله چه اقداماتی در دستور کار شماست؟

دوراندیش: این فاصله، ریشه در همان چالشی دارد که همیشه میان مرحله نظریه‌پردازی و مرحله اجرا وجود داشته است. طبیعتاً اسناد بالادستی مثل سند تحول بنیادین یا ناگاهی آینده‌نگر و بلندمدت نوشته می‌شوند، اما در مرحله اجرا با محدودیت‌ها و ملاحظات متعددی مواجه می‌شویم که اجرای کامل آنها را دشوار می‌سازد.

از نظر من، اسناد بالادستی ما از جمله سند تحول بنیادین، از کیفیت مناسبی برخوردارند. سند تحول، یکی از اسنادی است که در فرمایشات مقام معظم رهبری بیشترین تأکید و حمایت را داشته و مورد توجه ویژه ایشان بوده است. اما این اسناد زمانی می‌توانند محقق شوند که زیرساخت‌های لازم برای اجرای آنها فراهم باشد. در خودسند تحول، زیرنظام‌هایی تعریف شده‌اند، از جمله زیرنظام منابع انسانی و «تخصیص منابع». در بحث منابع انسانی، ویژگی‌هایی برای معلمان و نیروهای آموزشی تعریف شده، اما در عمل، به دلیل فشارهایی که در سال‌های گذشته از سوی برخی نهادها به آموزش و پرورش وارد شده است، گاهی از اصول سند فاصله گرفته‌ایم. خوشبختانه اکنون جلوی بخشی از آن فشارها گرفته شده است.

در زمینه تخصیص منابع هم مشکل داشتیم. مثلاً توسعه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در سند پیش‌بینی شده، اما در عمل، تجهیزات، فضا و امکانات مناسب با آن تأمین نشده است. اما درود هنرستان‌ها، اهداف خوبی تدوین شده، اما منابع مالی برای تحقق آنها تخصیص نیافته است. در مجموع، اسنادی نوشته

■ مهساگر بندی

آینده آموزش و پرورش ایران بر لبه تیغ ایستاده است. از یک‌سو معلمان فرسوده از فشار اقتصادی و سیاست‌های ناکارآمد، از سوی دیگر نسل‌ی از دانش‌آموزان که با فناوری، فردگرایی و عطش تغییر به میدان آمده‌اند. در این بین مدارس بیش از همیشه میان دیروز و امروز این نسل سر در گم مانده‌اند. نسلی که با آموزش‌های دیروز نمی‌تواند فردا را بسازد. در چنین بزنگاهی، سؤال مهمی مطرح می‌شود؛ اینکه آیا می‌توان نظامی آموزشی ساخت که هم پاسخگوی نیازهای پیچیده و سیال قرن ۲۱ باشد و هم پیوند خود را با ریشه‌های فرهنگی، اجتماعی و هویتی‌اش حفظ کند؟ برای یافتن جواب این سؤال و همچنین بررسی فاصله روبه‌گسترش میان نیازهای واقعی دانش‌آموزان با آنچه در مدارس امروز عرضه می‌شود، «جوان» در نشست با احمد رضا دوراندیش معاون دبیر کل شورای عالی آموزش و پرورش، محمود اسفندیار کارشناس ارشد اقتصاد آموزش و پرورش و بیتا مهدی رئیس گروه کمیسیون منابع و سرمایه‌های انسانی آموزش و پرورش گفت‌وگو کرده است. افرادی که در دن ساختارهای تصمیم‌سازی آموزش کشور حضور دارند و دغدغه‌های واقعی این حوزه را می‌شناسند. در این گفت‌وگو، از چالش‌های بودجه‌ای گرفته تا عدالت آموزشی، از کیفیت محتوای درسی تا وضعیت معلمان و اسناد تحول، از فاصله میان سیاستگذاری و اجرا و از چشم‌انداز آینده‌ای روشن‌تر برای آموزش و پرورش سخن به میان آمده است. این گفت‌وگو برای کسانی است که نگران فردای فرزندان‌شان و آینده این مرز و بوم هستند و می‌خواهند بدانند راه اصلاح و پیشرفت از کجاست؟!

در حال حاضر نهادهای متعددی در حوزه آموزش و پرورش سیاستگذاری یا تصمیم‌گیری می‌کنند، از مجلس و شورای عالی انقلاب فرهنگی گرفته تا مجمع تشخیص، هیئت وزیران، شورای عالی شهرسازی و... در این میان، جایگاه واقعی شورای عالی آموزش و پرورش کجاست؟ آیا این شورا توان اثرگذاری مستقل دارد یا در حاشیه قرار گرفته است؟

احمد رضا دوراندیش: تعدد نهادهای تصمیم‌گیر در حوزه آموزش و پرورش بی‌تردید یکی از آسیب‌های مهم این حوزه است. مجلس، شورای عالی انقلاب فرهنگی، هیئت وزیران و دیگر نهادها، هر یک در جایگاه قانونی خود تصمیماتی می‌گیرند که گاه به تداخل وظایف می‌انجامد. این میان، جایگاه شورای عالی آموزش و پرورش بر اساس قانون مشخص است، به‌ویژه طبق ماده قانونی مصوب مجلس هر تصمیم مهم اجرایی در آموزش و پرورش باید با نظر شورای عالی اتخاذ شود.

این شورا از نظر قانونی نهادی کارشناسی و سیاستگذار در حوزه آموزش عمومی کشور است و سازمان‌هایی مانند سازمان بازرسی کل کشور نیز بر لزوم نهادینه شدن جایگاه آن تأکید دارند. ما خود را با توجه به قانونی که از سوی مجلس به ما محول شده، نوعی شبکه کارشناسی مجلس می‌دانیم که در ساختار دولت جای گرفته است.

با این نگاه، انتظار داریم اعتماد‌های به شورا تقویت شود، چراکه در شورای عالی، نظرات کارشناسی عمیقی در کمیسیون‌های تخصصی شکل می‌گیرد، مسائل به‌طور دقیق بررسی می‌شود و تصمیمات پس از طی فرایندهای کارشناسی به مصوبه تبدیل می‌شوند. بنابراین، این شورا ظرفیت و توان اثرگذاری مستقل و مؤثر را داراست، به شرط آنکه هماهنگی میان نهادهای موازی برقرار شود.

نکته مهم دیگر، ترکیب اعضای شورای عالی آموزش و پرورش است که به‌خوبی جایگاه آن را نشان می‌دهد. ریاست شورا بر عهده رئیس‌جمهور است و وزرای مؤثر در نظام تعلیم و تربیت مانند وزرای علوم، بهداشت، ارشاد، جهاد کشاورزی و صمت، همچنین نمایندگان مجلس، سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای و سایر نهادها در آن حضور دارند. این ترکیب تنوع و گستره نیازهای نظام آموزشی کشور را پوشش می‌دهد.

در حوزه تخصصی من که آموزش‌های فنی و حرفه‌ای است، تعامل با وزارتخانه‌هایی مانند جهاد کشاورزی یا صنعت برای هماهنگی محتوای بنابرین شورای عالی آموزش و پرورش و تجربیات نشان داده است اگر تصمیمات در نهاد تخصصی و متولی اتخاذ شود، نتیجه کار اثر بخشی‌تر خواهد بود. بنابراین شورای عالی آموزش و پرورش به‌تنها ظرفیت اثرگذاری مستقل را دارد، بلکه قانوناً و عملاً در جایگاهی قرار دارد که می‌تواند بر سرنوشت نظام تعلیم و تربیت کشور تأثیرگذار باشد.

شورای عالی آموزش و پرورش با افزایش سقف سنی ورود به دانشگاه فرهنگیان تا ۳۰ سال موافقت نکرد. وزیر آموزش و پرورش اما در نامه‌ای به شورای عالی انقلاب فرهنگی خواستار این افزایش شد. این موضوع چه پیامی درباره هماهنگی در نظام تصمیم‌گیری آموزش دارد؟ آیا مصوبات شورا ضمانت اجرایی کافی دارند؟

دوراندیش: ابتدا باید تأکید کنم تعیین سنی ورود به دانشگاه فرهنگیان در حیطه اختیارات شورای عالی آموزش و پرورش نیست و این موضوع بر عهده شورای عالی انقلاب فرهنگی است. شورای عالی آموزش و پرورش در این زمینه صرفاً نقش مشورتی دارد و مصوبات الزام‌آور ندارد.

بر مورد این موضوع خاص، شورا نظر کارشناسی خود را به‌عنوان مشورت ارائه داد و نمایندگان از شورای عالی انقلاب فرهنگی نیز حضور داشتند تا هماهنگی انجام شود.

بنابراین تعارضی میان شوراها وجود نداشت، بلکه تقسیم کار و تعامل صورت گرفته است.

البته در مسائل آموزشی ذی‌نفعان مختلفی وجود دارند که نظرات‌شان متفاوت است. برای مثال درباره سقف سنی ورود به دانشگاه فرهنگیان، اگر تغییر ایجاد شود یا

نشود، گروه‌هایی ممکن است احساس نارضایتی

نقش شورای عالی آموزش و پرورش در این مسیر، بسیار کلیدی است. ما می‌توانیم با ابزارهای قانونی و مصوبات خود، از آموزش و پرورش حمایت کنیم تا به سمت طراحی محتوا و ارزشیابی مبتنی بر شایستگی حرکت کند. همچنین تلاش می‌کنیم از ورود و تصویب طرح‌هایی که خلاف این جهت‌گیری هستند، جلوگیری کنیم.

مادر کشتی‌ای مشترک هستیم، اگر کسانی از بیرون منفعتی از وضعیت موجود می‌برند اما باعث آسیب به کل نظام آموزشی می‌شوند، باید با گفت‌وگو و اقناع، آنها را به مسیری سازنده هدایت کرد. منابع انسانی و مالی کشور باید به سمتی هدایت شوند که خروجی آن، شهروندانی توانمند، متفکر، خلاق و با مهارت باشد، نه صرفاً حافظه‌ای پر از فرمول‌های بی‌کاربرد.

فاصله طبقاتی در آموزش و پرورش در حال افزایش است. اقتصاد آموزش کشور در برابر این شکاف چه کاری انجام داده یا می‌تواند انجام دهد؟

محمود اسفندیار: یکی از چالش‌های همیشگی آموزش و پرورش، از میانه‌های دهه ۷۰ به بعد، تأمین منابع مالی متناسب با نیاز واقعی بوده است. در بسیاری از سال‌ها، عملکرد مالی وزارتخانه تا ۲۰ درصد بیش از بودجه مصوب بوده است. این به دلیل آن است که برآوردهای وزارتخانه بر اساس واقعیت‌های میدانی انجام می‌شود، اما در مرحله تصویب بودجه، این نیازها به‌طور کامل دیده نمی‌شود.

در سال‌های اخیر، برای اولین بار توانستیم در تعامل با سازمان برنامه و بودجه، معوقات مالی آموزش و پرورش را به‌صورت دقیق و مستند ارائه کنیم. برای مثال، در دو سال گذشته، ارقام بزرگی مثل ۴۴ هزار میلیارد تومان معوقه با جزئیات کامل به سازمان برنامه گزارش شد تا در فرایند تخصیص و برنامه‌ریزی، جایگاه آموزش و پرورش روشن‌تر شود.

اما ریشه مشکل، صرفاً در اعداد و ارقام نیست. مشکل در «نوع نگاه» به آموزش و پرورش است. تا زمانی که نگاه مصرفی بر آموزش و پرورش حاکم باشد نه نگاه سرمایه‌محور، ما در بطنِ گردن شکاف‌ها و ارتقای عدالت آموزشی موفق نخواهیم بود.

مقام معلم رهبری در بسیاری از دیدارهای سال‌های اخیر‌شان و به تازگی هم رئیس‌جمهور بر همین موضوع تأکید داشته‌اند که آموزش و پرورش باید به‌عنوان یک سرمایه‌گذاری راهبردی دیده شود، نه هزینه. در ادبیات جهانی، اقتصاد آموزش سابقه‌ای طولانی دارد. از حدود سال ۱۹۶۰، اقتصاددان‌هایی مانند شولتز، آموزش را به‌عنوان یکی از ارکان سرمایه‌انسانی معرفی کردند و تأکید داشتند تخصیص منابع به آموزش، در واقع سرمایه‌گذاری برای آینده است. در ایران هم این حوزه از حدود ۲۰ سال پیش مورد توجه جدی قرار گرفته است، اما خروجی‌ها و نتایج عملی آن هنوز به‌اندازه کافی قابل مشاهده نیست.

ما نیازمند یک تفاهم ملی و فهم مشترک بین وزارت آموزش و پرورش، سازمان برنامه و بودجه و مجلس شورای اسلامی هستیم. بدون این فهمی، اجرای سیاست‌های عادلانه و پایدار ممکن نیست.

در سه سال اخیر، گام‌هایی در این مسیر برداشته شده است به‌ویژه در قالب برنامه‌ریزی‌های میان‌مدت و بلندمدت تلاش کرده‌ایم یک تفاهم پایدار ایجاد شود و آموزش و پرورش در قالب برنامه‌های چندساله، بودجه متناسب و هدفمند دریافت کند.

بدون شک، اقتصاد آموزش تنها زمانی می‌تواند شکاف طبقاتی را کاهش دهد که از یک فرهنگ و گفت‌مان جدید پشتیبانی شود. این تغییر نیازمند زمان و شکل‌گیری لایه‌های مختلف اجتماعی است؛ تحولی تدریجی اما ضروری.

بودجه آموزش و پرورش اغلب صرف حقوق و مزایای کارکنان می‌شود. چه سهمی از آن واقعاً به توسعه کیفیت آموزشی اختصاص می‌یابد؟

اسفندیار: در خوش‌بینانه‌ترین حالت، تنها حدود ۱۰ درصد از بودجه آموزش و پرورش به حوزه کیفیت آموزش اختصاص می‌یابد. در عمل، در برخی سال‌ها این عدد به حدود ۷ تا ۵ درصد کاهش یافته است، چراکه بخش عمده بودجه صرف پرداخت حقوق و مزایای می‌شود. این در حالی است که هدفگذاری ما رسیدن به ۱۵ درصد سهم کیفیت است، اما فاصله ما با این هدف به دلیل برخی چالش‌های ساختاری زیاد است. مهم‌ترین عامل، نداشتن برآورد مالی دقیق و رسمی برای اجرای برنامه‌های سند تحول بنیادین است.

در سند تحول، حدود ۱۳۱ راهکار تعریف شده که در قالب ۴۵۸ برنامه اجرایی قرار می‌گیرند. از سال ۱۳۹۷ تا امروز نتوانسته‌ایم به‌آورد مالی جامع و قابل اتکایی برای این برنامه‌ها ارائه دهیم، در نتیجه، تخصیص بودجه بر اساس نیاز واقعی انجام نشده است.

در مدل جدیدی که در دولت سیزدهم پیگیری می‌شود، پروژه‌های تحولی به‌صورت کام‌بندی شده تعریف شده‌اند (حدود ۱۴۷ پروژه). حالا قرار است، برای این پروژه‌ها، پیوست مالی نیز تهیه شود مشابه کاری که در طرح تحول سلامت انجام شد. این موضوع می‌تواند آغاز تحول جدی در تأمین مالی آموزش و پرورش باشد.

تا زمانی که چنین برآوردهی انجام نشود، ما نمی‌توانیم بودجه را از هزینه‌های جاری به سمت کیفیت ببریم. طبیعتی است وقتی هنوز معوقات بر سنی پرداخت نشده‌است، هیچ نهاد برنامه‌ریزی‌ای اجازه اختصاص

منابع به ارتقای کیفیت آموزشی نمی‌دهد. در پایان، باز هم باید تأکید کنم همه این مسائل به فهم مشترک حاکمیتی از نقش آموزش و پرورش در توسعه کشور بازمی‌گردد. بدون این فهم مشترک، بودجه‌ها همچنان صرف حفظ وضع موجود می‌شود و امکان سرمایه‌گذاری مؤثر در کیفیت آموزشی فراهم نخواهد شد.